

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۰۰

جمعه ۲۹ اسفند ۱۳۹۳، ۲۰ مارس ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

سرمایه داری می کشد!

از محمد بوعلیزی تا یونس عساکره

جنبش افزایش دستمزد و تصمیم ۱۷ درصدی
شورایعالی سرمایه!

شان نزول بانکی فتوا علیه چهارشنبه سوری!

صفحه ۹-۱۰

بیانیه حزب کمونیست کارگری

درباره افزایش ۱۷ درصدی
حداقل دستمزد در سال ۹۴

صفحه ۴

فضای جدید اعتراضی

در ایران!

مصطفی صابر

صفحه ۵

مذاکرات هسته ای،

احتمالات و عواقب!

محسن ابراهیمی

صفحه ۶

فرا رسیدن نوروز و آغاز سال تازه را به همه مردم آزاده و شریف ایران تبریک میگویم

پیام نوروزی حمید تقوایی

نوروز جشن بازگشت زندگی به طبیعت است. جشن ذوب شدن یخ و برف و سرما و انجماد، و آغاز زایش و رویش و شکوفایی دوباره طبیعت! جشنی که هر سال در اول بهار موعدهش فرا میرسد!

تجدید حیات طبیعت را باید جشن گرفت اما شادی و جشن واقعی ما در گرو تجدید حیات زندگی اجتماعی است. در گرو ذوب شدن جمود و تحجر و انجماد مذهب و مناسبات و روابط و اخلاقیات متحجر است که زندگی انسانی را زیر خود مدفون کرده اند.

تاریخ بشری نوروزهای خود را داشته است. عصر روشنگری و دوره رنسانس که انجماد دوران تاریک قرون وسطی و سلطه

مذهب و کلیسا را در هم شکست، انقلاب داروین در کشف و تدوین تئوری تکامل طبیعی حیات که ضربه کاری ای به داستان خلقت و خرافات مذهبی وارد کرد، و انقلاب مارکس در نقد و تحلیل روند تاریخ جوامع بشری که ریشه استثمار و نابرابری و مصائب جوامع طبقاتی را برملا کرد؛ همه اینها مقاطع درخشانی از تاریخ تمدن بشری هستند! نوروزهای زایش و رویش و شکوفایی انسانیت!

امروز مذهبی که در برابر گالیله ها و داروین ها و مارکس ها مقاومت کرد در ایران در قدرت است و جمود و تحجر قرون و اعصار را در حفظ نظم ضد انسانی سرمایه به خدمت گرفته است. نوروز اجتماعی ما با در

هم شکستن این جمود و انجماد آغاز خواهد شد. بهار زندگی و انسانیت را دیگر نه گردش زمین به گرد خورشید، بلکه کوشش و تلاش و مبارزه ما توده مردمی تضمین میکند که وضعیت موجود را نمی پذیرند و به آن تن نمیدهند! ما مردم، ما کارگران و معلمان و پرستاران و زنان و جوانانی که با ظلمت و جمود حاکم درافتاده ایم نوروز آزادی و برابری و رفاه و انسانیت را به ارمغان خواهیم آورد.

به امید فرارسیدن بهار انسانیت و آزادگی!

نوروزتان پیروز!

حمید تقوایی - دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ اسفند ۹۴

سال تباهی حکومت، سال تعرض مردم

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی
در مورد تحولات سال ۹۳

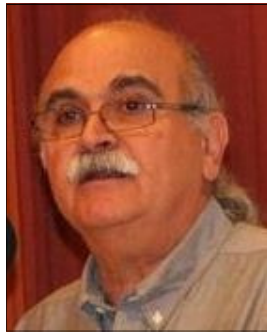
صفحه ۲

آغاز سال جدید را تبریک میگوئیم



سال تباهی حکومت، سال تعرض مردم

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی
در مورد تحولات سال ۹۳



کرده است. الان دیگر میشود از مبارزه مشترک کارگران و معلمان و پرستاران در جامعه صحبت کرد که در واقع دارند همه حقوق بگیران جزء را نمایندگی میکنند، بخش اعظم مردم و نه درصدیها را نمایندگی میکنند که الان زیر فشار بار اقتصادی و بیکاری و تورم و غیره کمرشان خرد میشود. این خودش یک شاخص است که نشان میدهد چطور مبارزات مردم تعرضی تر شده است.

مورد دیگر مبارزه مردم و بویژه زنان علیه اسیدپاشیها است. خود رژیم پشت اسیدپاشیها بود، عوامل رژیم دست در اندرکار بودند، امام جمعهها از سر منبر و رسانه های دولتی دستور حمله به زنان بی حجاب را صادر کردند اما با چنان موج تعرضی روبرو شدند که به غلط کردن افتادند و "کی بود کی بود من نبودم" براه انداختند و مجبور شدند این جنایت را محکوم کنند. در واقع جامعه بر سر مساله اسیدپاشی تودهنی محکمی به حکومت زد.

در مورد مساله حجاب هم همانطور که اشاره کردم سال گذشته بخش زیادی از زنان عملاً نشان دادند که دیگر به هیچیک از موازین جمهوری اسلامی، که زمانی با پونز کوبیدن بر سر زنان و گشتهای ارشاد و نهی از منکر و غیره میخواستند تحمیل کنند، وقعی ننسیگذارند؛ آنطور که میخواهند لباس می پوشند و این هم جنبه دیگری از تعرض مردم است.

بنابراین هر دو فاکتوری که گفتید واقعی است، هم تضعیف حکومت و هم متحد شدن و تعرضی شدن و گسترده تر شدن مبارزات، سال گذشته هر دو این جنبهها را شاهد بودیم.

سیمای بهاری: اما یک واقعیت دیگر اینست که اعدامها در سال گذشته بسیار گسترده بود. چرا این همه کشتار؟ چه نتیجه ای جمهوری اسلامی گرفت؟

علیه همدیگر براه نداخته اند و تا آنجا هم که به مذاکرات و رابطه با غرب و مساله تحریمها و گرانی و فقر و وضعیت در حال فروپاشی اقتصاد بر میگردند نه تنها وضع بهتر نشده بلکه وخیم تر هم شده است. این وضعیت کل حکومت است که میشود گفت در سراسر تضعیف هر چه بیشتر قرار دارد.

از طرف دیگر در سال گذشته مردم تعرضی تر مبارزه کردند. مثلاً در سالهای قبل جنبش کارگری برای مدت زیادی یک مطالبه اساسی اش دریافت دستمزدهای معوقه بود. یعنی یک مبارزه تدافعی برای اینکه مزد عقب افتاده و طلبش را بگیرد. هنوز هم بخشی از طبقه کارگر مزدش را دریافت نکرده و هنوز هم مساله دستمزدهای معوقه وجود دارد ولی مبارزه حول یک خواست تعرضی متمرکز شده، حول خواست افزایش دستمزدها. کارزارهایی مثل طومار چهل هزار امضا برای افزایش دستمزدها در سال گذشته داشتیم و همینطور در اعتراضات آخر سال دیدیم کارگران و معلمان اعلام کردند خط فقر بیش از ۳ میلیون تومان است و تعیین حداقل دستمزد کمتر از سه میلیون در واقع تنزل بیشتر سطح معیشت کارگر است. الان بر پرچم کارگران این خواست و شعار نوشته شده است. بعبارت دیگر مبارزه برای رفاه و تامین معیشت از حالت دفاعی مطالبه پرداخت دستمزدهای معوقه درآمد و به شکل تعرضی افزایش حداقل دستمزد، آن هم با طرح رقم سه میلیون که در بیانیه های کارگری اعلام میشود، دارد به پیش میرود. این مبارزات همچنین ابعاد وسیعتری هم پیدا

شد. امروز بسیاری از زنان قوانین حجاب را عملاً زیر پا گذاشته اند و جمهوری اسلامی هم کار چندان از دستش ساخته نیست. در همه این عرصهها باید گفت سال گذشته سال امید بود. تا آنجا که به مبارزات مردم، دامنه اعتراضات و اعتصابات و بخصوص مبارزات کارگری و در ماههای آخر سال مبارزات معلمان و پرستاران مربوط میشود سال گذشته را باید سال امید به پیشرویهها و دستاوردهای بیشتر مردم ایران دانست.

سیمای بهاری: همانطور که اشاره کردید سال گذشته مبارزات سازمان یافته تر و هدفمند تر و وسیعتر بود. دلیل این امر چیست؟ آیا مردم آگاهتر شده اند، آیا مردم بقول شما امیدوارتر شده اند و یا اینکه جمهوری اسلامی تضعیف شده است؟

حمید تقوایی: به نظر من هر دو عامل موثر بوده است. از یک طرف جمهوری اسلامی دیگر آن موقعیت حتی یکسال پیش را ندارد. از دعوای جناحها گرفته تا افشا کردن دزدیهای یکدیگر و تا عرصههایی که خودشان اعلام کرده اند شکست خورده اند مثل جمع کردن ماهوارهها و یا گشتهای ارشاد و اقداماتشان علیه بی حجابی و غیره؛ از همه این جنبهها رژیم به عقب رانده شده است. از نظر اقتصادی هم وضع رژیم مدام بدتر و وخیم تر شده مذاکراتشان معلق مانده و بر سر همین مذاکرات هم دعوای جناحها بالا گرفته است. با توجه به همه اینها این واقعیت روشن است که حکومت در سال گذشته بیشتر تضعیف شد. الان جناحها تبلیغات و تهدیدات بیسابقه ای

تباهی و نومیدی. تا آنجا که به حکومت مربوط میشود مردم چیزی جز تباهی از این حکومت ندیدند. سال گذشته همچنان سال بگیر و ببند بود، سال اعدامها بود و سال سفت کردن بیشتر بندهای اختناق و در کنار آن هم گرانی و تورم هر چه بیشتر، بیکاری هر چه بیشتر، عظیم تر شدن فاصله بین فقر و ثروت، بین ثروت های بادآورده آیت الله های میلیاردر و توده مردمی که زندگیشان بزرگ خط فقر رانده شده و همچنین سالی که دزدیهای میلیاردی باز هم بیشتر آیت الله ها و آقایان و اعوان و انصارشان در جامعه افشا شد گرچه کما فی السابق نام و مشخصات دزدان اصلی ناگفته ماند و همه همچنان بدنبال میلیاردهای گمشده گشتند!

گرچه حکومت دزدان دارد جامعه را به تباهی میکشد ولی مردم هیچوقت به این وضعیت تسلیم نشده اند. از نقطه نظر مردم و با شاخص اعتراضات جاری - مثلاً با شاخص مبارزه کارگران و معلمان و پرستاران که در سطح بیسابقه ای دارند برای رفاه و بالابردن دستمزدها و حقوقها و برای بیرون کشیدن حقشان از حلقوم مفتخوره های حاکم می جنگند - سال گذشته سال امید بود. در عرصه های دیگری هم شاهد گسترش مبارزات بودیم. مثلاً اعتراض زنان و کل جامعه علیه اسیدپاشیها. مبارزه خانوادگی اعدامیها علیه مجازات اعدام، مبارزه جوانان با شعار شادی حق ما است و درهم شکستن عملی اختناق سیاه ضد شادی و ضد مدرنیسم. همانطور که "بد حجابی" و بی حجابی در سال گذشته گسترده تر و علنی تر

سیمای بهاری: آیا سال گذشته سال بهبود و امید به بهبود بود؟ سال تحقق وعده های انتخاباتی بود؟ و یا سال تباهی و ناامیدی، ارزیابی شما چیست؟

حمید تقوایی: قبل از هر چیزی باید بگویم که وعده های انتخاباتی جایی در تحولات سال گذشته نداشت. اگر منظورتان انتخاب روحانی و وعده های او در انتخابات است کسی از ایشان وعده ای به بهبود نشنید. ایشان با برنامه مذاکرات با آمریکا روی کار آمد و اگر انتخاب شد و بالاخره وعده ای به او رای دادند این در واقع رای منفی به اصولگراها و خط خامنه ای بود. روحانی نه اثباتا حرفی داشت و نه در عملکردش مردم فرق و تمایزی دیدند. نه تنها در دوره روحانی بهبودی حاصل نشد بلکه رکورد جدیدی هم دولت ایشان در اعدامها به جا گذاشت. و همینطور دستگیریها و سرکوبها و غیره کماکان ادامه داشت و اسیدپاشی به زنان هم از جمله تحولات تازه ای بود که در دوره دولت روحانی اتفاق افتاد. بنابراین باید گفت وعده ای در کار نبود و مردم هم آمیدی به روحانی نبسته بودند. مردم فقط به این امید بسته بودند که با انتخاب روحانی در واقع جواب محکمی به خامنه ای و خط او بدهند و از طرف دیگر به این امید داشتند که جناحهای حکومتی بیشتر به جان هم بیافزند و مردم در این میان بتوانند نفسی بکشند و بتوانند جلو بیایند و اعتراضاتشان را وسیع تر کنند که همین اتفاق هم افتاد.

این در مورد وعدهها و ولی از این نظر که آیا سال امید بود و یا

سال تباهی حکومت، سال تعرض مردم

حمید تقوائی: جمهوری اسلامی مثل حیوان وحشی ای که گیر افتاده و راه پس و پیش ندارد به هر چیزی جنگ میزند. اعدام همیشه يك اسلحه حکومت برای مرعوب کردن جامعه بوده است. اعدام در جمهوری اسلامی صرفا يك امر حقوقی قضائی نیست که گویا چون قوانین شرع میگوید اعدام کنید اینها هم دارند اعدام میکنند. خوب مثل همیشه قوانین اسلامی يك وجهه شرعی میدهد به جنایت و توحش. همیشه مذهب این کار را کرده است. ولی خود این جنایت و توحش جمهوری اسلامی يك معنی و شان نزول سیاسی دارد، میخواهد جامعه را بترساند. اعدام يك چنین ابزاری در دست حکومت است. به همین دلیل هر چه جامعه پر جنب و جوش تر و معترض تر میشود رژیم بیشترین اسلحه را بکار میبرد. اگر مبارزه و "خطر" اوجگیری مبارزه نبود نیازی هم به این همه اعدام نبود. اعدامها گسترش پیدا کرده چون مبارزات گسترش پیدا کرده است.

می پرسید نتیجه این اعدامها چیست؟ به نظر من نتیجه آن تفرع عمومی بیشتر و انزجار عمیقتر مردم از حکومت است. اگر اعدامها میتوانست جامعه را ساکت کند همان اعدامهای تابستان شصت و هفت باید جامعه را به يك گورستان تبدیل میکرد. اما نه تنها چنین نشد بلکه مبارزات و اعتراضات گسترش بیشتری پیدا کرد. امروز هم با همین پدیده مواجه هستیم. درست است که اعدام عمل وحشیانه ای است و باید با تمام قوا در برابرش ایستاد ولی این ابزار کارائی خودش را برای حکومت تا حد زیادی از دست داده است. کسی دیگر با اعدامها مرعوب نمیشود. نه تنها جامعه مرعوب نمیشود

بلکه حرکت وسیعی در سال گذشته علیه اعدام به راه افتاد، که اعتراض علیه اعدام ریحانه يك نقطه اوج آن بود. حرکت اجتماعی نسبتا وسیعی علیه اعدام شکل گرفت که در بسیاری موارد بیانیه ها و طومارهای کوبنده و مواضع بسیار انسانی و عمیق و رادیکالی از خود نشان داد. و در مواردی مثل قضیه اعدام ریحانه ورزشکاران و هنرمندان و غیره نامه های جمعی نوشتند و علیه نه تنها علیه يك حکم مشخص اعدام بلکه علیه مجازات اعدام علی العموم اعتراض کردند. در مواردی حتی خانواده های در پای چوبه دار حاضر شدند و اعلام کردند با اعدام مخالفتند. حرکتی که به نام مادران بخشش معروف شد.

سال گذشته از يك جنبه سال گسترش اعدامها بود و از جنبه دیگر سال گسترش مبارزات علیه اعدام. اینجا هم همان نکته ای که من در پاسخ به سؤال اول توضیح دادم صادق است. تا آنجا که به قوانین و سیاستها و عملکرد حکومت مربوط میشود سال گذشته سالی سیاهتر و با تباهی بیشتر بود ولی با معیار مبارزات مردم سال امید بخش و پر جنب و جوش و فعالتری را شاهد بودیم.

سیما بهاری: يك موضوع دیگر در ارزیابی سال گذشته موقعیت خود حکومت است. اختلافات درون حکومت تازگی ندارد و هر روز در شکلی خودش را نشان میدهد. ارزیابی شما از وضعیت جناحها و اختلافات درون حکومت در سال گذشته چیست؟

حمید تقوائی: همنطور که اشاره کردم در سال گذشته اختلافات درون حکومتی بخاطر قضیه مذاکرات هسته ای بالا

گرفت.

مساله مذاکرات با غرب موضوعی نیست که فقط در چارچوب سلاحهای هسته ای قابل بررسی باشد. پروژه هسته ای ظرف و محمل قضیه است. گرچه البته برای غرب مهم است که جلوی دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی را بگیرد ولی مساله از این فراتر میروود. این مذاکرات اساسا بر سر رابطه بین جمهوری اسلامی با غرب است. و این از نقطه نظر جمهوری اسلامی امری هویتی است. ضد آمریکائی گری و کوبیدن بر طبل شیطان بزرگ همیشه جزئی از ساختار و جری از هویت جمهوری اسلامی بوده است. موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه و در خود جامعه ایران و موقعیت بین المللی اش در گرو این چهره ضد آمریکائی و غربستیزی است. در این مذاکرات آمریکا و گروه ۵ + ۱ نهایتا بدنبال این هستند که این قضیه غربستیزی خاتمه پیدا کند. بنابراین مساله فقط به پروژه هسته ای محدود نخواهد ماند. مساله بر سر کلا استراتژی ضد آمریکائیگری و ضدغربیگری جمهوری اسلامی است.

در جمهوری اسلامی جناح اصولگرا بر این جنبه هویتی - استراتژیک تاکید میکند. و به این خاطر با توافق مخالف است که هویت جمهوری اسلامی بر باد میروود و این را صریحا گفته اند که موقعیت منطقه ای حکومت ضعیف میشود و بقول خودشان کیان اسلام و اساس نظام در به خطر می افتد و غیره. منظورشان از نظر سیاسی چیزی جز این نیست که ما حکومتی هستیم که بر پایه مرگ بر آمریکا روی کار آمده ایم و نمیشود در این تخفیف داد. خامنه ای هم بارها گفته است که هر نوع توافقی باعث میشود غربیها انتظارات و توقعات بیشتری را مطرح کنند و فکر نکنید مساله با توافق هسته ای ختم خواهد شد.

این يك طرف قضیه است. يك طرف دیگر قضیه اینست که اگر توافق نکنند از نظر اقتصادی

كاملا متلاشی میشوند. این را همه شان میدانند. بدون رفع تحریمها از نظر اقتصادی يك قدم هم نمیتوانند بردارند. بنابراین كاملا ناگزیرند که به نحوی تحریمها را لااقل تخفیف بدهند که بتوانند به حال درد و بن بست اقتصادی شان فکری بکنند.

ما همیشه گفته ایم این دو جنبه يك پارادوکسی هست، يك تناقضی هست که جمهوری اسلامی با آن دست بگریبانست و دعوای امروز جناحها بر سر این تناقض است. به همین خاطر درگیریها و کشمکشها جدی و حاد است. جناحی به مساله اقتصاد و ورشکستگی اقتصادی اشاره میکند و میگوید به هر طریق شده باید به توافق رسید و جناح دیگری بر استراتژی ضد آمریکائیگری تاکید میکند و میگوید نباید هویتمان را بفروشیم. این يك دعوای واقعی سیاسی هست و نتیجه اش همانطور که بالاتر اشاره کردم بهم ریختگی بیشتر صفوف حکومت و تضعیف بیشتر حکومت است.

سیما بهاری: در روزهای اخیر گفته میشود که مذاکرات ممکن است به نتیجه برسد. فرض کنیم که به نوعی توافق برسد. در این صورت مردم میتوانند امیدوار باشند و انتظار داشته باشند که نانی به سفره شان اضافه میشود و وضعیتشان بهبود پیدا میکند؟

حمید تقوائی: مسائل مردم چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی با تحریمها شروع نشده است که با رفع تحریمها حل بشود. قبل از این تحریمها هم گرانی بود، بیکاری بود، عدم پرداخت دستمزدها بود، اختناق و سرکوب بود، اعدام بود. همه این مصائب را قبل از این تحریمها هم داشتیم. اینطور نیست که گویا چون جمهوری اسلامی تحریم شده کارگر به حقوقش نمی رسد و یا معیشت بخش وسیعی از مردم يك سوم خط فقر است و یا اکثریت جامعه تحریم اقتصادی ندارد. یا چون تحریم شده اعدام میکنند و بگیر و ببند و سرکوب هست. جمهوری

اسلامی تمام زندگی اش از همان روز اول همین بوده است. بنابر این خیلی روشن است که حتی اگر فرض کنیم به توافق برسند و از همان فردا همه تحریمها را لغو کنند - از این بگذریم که فعلا صحبتی از رفع کامل تحریمها نیست و تازه به توافق هم برسند هنوز بخشی از تحریمها باقی میماند - ولی حتی اگر فرض کنیم همین فردا همه تحریمها لغو بشود جامعه در بهترین حالت برمیگردد به همان وضعیت قبل از تحریمها یعنی همچنان دستمزدهای عقب افتاده و گرانی و بیکاری و غیره. از يك نقطه نظر وضع بدتر هم میشود چون اعلام میکنند که تحریمها تمام شد و حالا دوره بازسازی است و باید فداکاری کنید و غیره. مثل بعد از ختم جنگ با عراق که مردم فکرمیکردند جنگ تمام میشود و فرجی حاصل میشود اما تازه بگیر و ببندها شروع شد و گفتند جنگ تمام شده و باید خرابی ها را آباد کنیم و باید بیشتر کار کنید و کمتر بخوابید. این نوع حرفها را از همین الان شروع کرده اند. بنابراین حتی اگر فرض کنیم تحریمها تمام بشود و نوعی روابط اقتصادی متعارف تری با غرب برقرار بشود تازه سیاست ریاضت کشی اقتصادی و سفت کردن کمربندها را بمیان میکشند و فشار به مردم بیشتر میشود که توقعاتشان زیاد نشود. همین امروز در دعوای جناحها این بحثها مطرح میشود. جناح طرفدار روحانی میگوید اصولگرایان میخواهند در صورت توافق بگیر و ببندها را بیشتر کنند که "توافق بحساب پیروزی دولت تدبیر و امید" گذاشته نشود. منظورشان در واقع اینست که دارند برای مقابله با توقعات بالای مردم خودشان را آماده میکنند. به نظر من اگر اینها به توافقی برسند مبارزاتی که امروز در جریان است برتاب گسترده تر میشود چون رژیم بهانه تحریمها را از دست میدهد و مردم با تعرض بیشتری خواهند گفت حقوقمان را میخواهیم. رفاه میخواهیم،

بیانیه حزب کمونیست کارگری

درباره افزایش ۱۷ درصدی حداقل دستمزد در سال ۹۴

دستمزد کوششی است برای مهار کردن اعتراضاتی که صورت خواهد گرفت.

رژیم از يك جهت دیگر هم وحشت خود را از اوگیری مبارزات کارگری بویژه حول افزایش دستمزد نشان داده است و آن دستگیری رهبران و فعالین کارگری، دادن حکم های طولانی زندان، حمله به اعتصابیون و تلاش برای ایجاد رعب و وحشت است. ریعی وزیر کار دولت روحانی که از بنیانگذاران دم و دستگاه امنیت جمهوری اسلامی بوده، خود متخصص این کار است. اما نه فعال شدن خانه کارگری ها و تلاش برای مهار اعتراضات از درون و نه سیاست رعب و سرکوب جمهوری اسلامی نمی تواند پاسخ کارگران و حقوق بگیرانی باشد که اوضاع اقتصادی فوق العاده وخیمی دارند و فی الحال برای بهبود اوضاع خود به میدان آمده اند. موج رو به گسترش اعتصابات و اعتراضات و اجتماعات در بین کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان این چشم انداز را جلوی همه ما میگذارد که باید این مبارزات را در همه جا، چه در محل، چه در سطح منطقه ای و چه سراسری متحد کرد. پاسخ افزایش ناچیز حداقل دستمزد و تنها راه واقعی افزایش دستمزد تنها همین اتحاد سراسری و طبقاتی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ اسفند ۱۳۹۳، ۱۶ مارس ۲۰۱۵

خود را مدافع "سازش ناپذیر" افزایش دستمزد اعلام کنند. آنها ابتدا ۳۴ درصد افزایش دستمزد را مطرح کردند و چند ساعت بعدتر اعلام کردند که به هیچ وجه به افزایشی کمتر از ۲۵ درصد رضایت نخواهند داد. اما بعد همین رقم را هم پایینتر آوردند و دست آخر به ۱۷ درصد رضایت دادند و آنرا امضا کردند. نمایشی البته تکراری اما قدری هیجان آمیز تر از موارد گذشته. نفس داغ کردن این نمایش حاکی از این بود که تا چه اندازه زمین زیر پای جمهوری اسلامی داغ است. مبارزات و اعتراضات برای افزایش دستمزدها در طی سال ۹۳ با وسعتی بی سابقه نسبت به سالهای اخیر جریان داشته است. نه فقط در صفوف کارگران کارخانه ها که نمونه های ارزنده ای چون مبارزات کارگران ایران خودرو و پتروشیمی ها را به نمایش گذاردند، بلکه همچنین در بین پرستاران و معلمان و بازنشستگان ما شاهد اعتصابات و تظاهرات ها و تحركات بی سابقه بودیم که با خواست مشترك افزایش دستمزد بالاتر از خط فقر به صحنه آمده اند. تحرکی که هر روز ابعادش وسیعتر میشود. تکان دادن شمشیرهای چوبی توسط عناصر خانه کارگر رژیم برای افزایش دستمزد تنها حاکی از این بود که خود حکومت اسلامی بخوبی میداند که افزایش ۱۷ درصدی حداقل مزد به اعتراضات گسترده جاری برای افزایش دستمزد پایان نمی دهد. بلکه مبارزاتی طوفانی تر در پیش است و نمایش "تلاش" خانه کارگری ها برای افزایش

بار دیگر شورای عالی کار جمهوری اسلامی، طبق روال هر ساله اش، با تصویب افزایش حداقل دستمزد به میزانی که حتی تاثیرات تورم واقعی در کاهش قدرت خرید کارگران را هم خنثی نمی کند، عملا به کاهش بیشتر همان دستمزد ناچیز کارگران صحه گذارد. افزایش ۱۷ درصدی امسال، مزد پایه کارگران را به ۷۱۲۴۲۴ تومان در سال آتی میرساند. این در حالی است که کارگران چه در اجتماعات و اعتراضات خود و یا از طریق طومارها و تشکل های خود همواره اعلام کرده اند که حداقل دستمزد باید دستکم معادل خط فقر رسمی یعنی بالای سه میلیون تومان باشد تا کارگر از ابتدایی ترین امکانات زندگی برخوردار شود. بدین ترتیب افزایش ۱۷ درصدی حداقل دستمزد پایه به معنای تداوم سقوط آزاد طبقه کارگر ایران به قعر فلاکتی هر سال سیاهتر از پارسال است. جنایتی که در طول حیات جمهوری اسلامی و سرمایه داری ایران در سی و اندی سال گذشته بر علیه کارگران و اکثریت عظیم جامعه منظمآ اعمال شده است. افزایش حداقل دستمزد امسال از یک جهت البته جالب توجه بود، و آن افزودن بر پیاز داغ نمایشی است که هر سال در شورای عالی کار برپا میکنند. عوامل خانه کارگر، این ارگان دست ساخته جمهوری اسلامی که هر سال به نام "نمایندگان کارگران" در مذاکرات مربوط به تعیین حداقل دستمزد شرکت میکنند، به منظور مهار اعتراضات کارگری، امسال بسیار کوشیدند



فضای جدید اعتراضی در ایران!

مصطفی صابر



نشسته اند و یا هیچ نقش و تاثیری در آن ندارند. برعکس جنگی بی امان هم اکنون در جریان است و هر نیروی سیاسی میکوشد تا حد ممکن مهر خود را بر اعتراضات و ناراضی‌های بگوید. اصلاح طلبان تا وقتی که جمهوری اسلامی هست هنوز خیلی امکانات برای تاثیر گذاری

بر فضای سیاسی دارند. نیروهای قومی و مذهبی وابسته به جریانات و دولت های منطقه هم به لطف سیاست های فاشیستی و ارتجاعی جمهوری اسلامی میکوشند جنگ ترك و کرد و عرب و عجم و شیعه و سنی راه بیندازند. ناسیونالیسم پروغرب هم بشدت مشغول تبلیغات ضد

کمونستی و اشاعه مدرنیسمی میهن پرستانه و نژادپرستانه است تا مگر جلوی چپ را بگیرد. در نتیجه صرفا چپ بودن فضای

اعتراضی جدید هنوز تضمینی نیست که چنین بماند و به موفقیت بینجامد. نکته محوری این است که این فضای وسیع و

پرتحرک چپ برای اینکه به جلو برود و همه موانع ریز و درشت و قبل از همه جمهوری اسلامی را

از پیش پای جامعه ایران بردارد، باید بتواند در سطح سیاسی نیز

بنام خودش و بطور قائم به ذات نمایندگی شود. این همچنان يك

خلاء بزرگ است که باید پر شود. حزب ما بیش از هر نیروی

چپ دیگر میتواند و لذا مسئول و همچنین مصمم است تا با متحد

و متشکل کردن همه نیروها و پتانسیل چپ جامعه در جهت پر کردن این خلاء بکوشد. فضای

اعتراضی جدید ضمن اینکه چشم انداز امید بخش و پرشوری در برابر ما میگشاید تلاش و عزمی

صد چندان از ما طلب میکند.*

نقش تعیین کننده ای داشته باشند. در این یادداشت کوتاه قصد و فرصت پرداختن به همه این پیچیدگی ها نیست. اینجا صرفا منظور تاکید بر شکل گیری فضای سیاسی و اعتراضی جدیدی در ایران است که بیش از هر وقت دیگر چپ، رادیکال و کارگری است.

حتی نگاهی به خواسته ها و مطالبات، روش ها و شیوه ها، توده های شرکت کننده در این

تحرك جدید، رادیکالیسم و خصلت مدرن و انسانی آن نشان میدهد که در این فضای جدید

چپ و کارگر بیش از هر وقتی با شکل و شمایل و افق خود به میدان آمده است. برای مثال

تحرك جدید سیاسی بر خلاف مثلا دوره ۸۸ بر پایه وارد شدن مردم در شکاف های حکومتی

در زمان انتخابات رژیم شکل نگرفته است. بلکه مستقیما

محصول تحرك کارگران و بخش های مختلف محروم جامعه برای

تحقق خواسته ها و مطالبات خود است. به همین اعتبار تحرك

جدید سازمان یافته تر از اعتراضات دوره ۸۸ است. اینها

همه نشانه های تحرك مستقیم چپ در جامعه است. چپ به

معنای وسیع و اجتماعی آن که محورش طبقه کارگر است. اما

این به معنای آن نیست که راست و انواع جنبش های ریز و درشت آن در قبال این فضای جدید بیکار

حکومت در مقابل "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" خیابان می باشد. البته حکومت

میکوشد خود مبتکر تغییر باشد تا شاید آنرا مهندسی کند و به خیر بگذراند. اما این يك

خام خیالی است. مذاکرات هسته ای به هر سرانجامی که منجر شود،

چه به توافق و "سازش" برسد و چه مجددا رابطه با غرب شدیدا شکر

آب شود و چه اوضاع کنونی بصورت کجدار و مریز ادامه

یابد، فضای اعتراضی و سیاسی فعلی را تشدید خواهد کرد.

حالتی که بیش از همه فضای اعتراضی فعلی را دامن خواهد

زد حصول توافق جمهوری اسلامی با آمریکا و غرب است. مردم این توافق را "سر کشیدن

جام زهر" و پیروزی خود محسوب خواهند کرد و بر سطح توقعات و تحركاتشان افزوده خواهد شد.

اما شکست یا کش پیدا کردن مذاکرات نیز میتواند به فضای

اعتراضی موجود حتی بطور جهشی و انفجاری دامن بزند. چرا که عدم موفقیت در توافق هسته ای به معنای شتاب در فلاکت

اقتصادی و اوضاع نابسامانی است که فی الحال امان مردم را بریده و زمینه اصلی اعتراض و تحرك فعلی آنهاست.

البته روشن است که اوضاع سیاسی صرفا بر پایه رابطه مردم با حکومت شکل نمی گیرد و یا

منحصرا بر پایه این تقابل توسعه نمی یابد. عوامل داخلی و خارجی متعددی میتوانند تاثیر

داشته باشند. از اختلافات درونی حکومت و جنگ جناح ها، تا تلاش انواع جنبش های قومی و مذهبی و راست و ارتجاعی تا

دخالت های نیروهای منطقه و تا تحولات جهانی و غیره، همه میتوانند در سمت و سو دادن به فضای سیاسی در جامعه ایران

ممکن است گفته شود که این فضا و این تحرك وسیع که به جوانب آن اشاره شد، صرفا شمره

شرایط معینی است که به دلیل مذاکرات هسته ای و امکان تغییر در رابطه غرب و جمهوری

اسلامی بوجود آمده است. بعبارت دیگر، بوی تغییر اوضاع

می آید، اینرا همه حس کرده اند و به هیجان آمده اند؛ اما این

تغییر کنترل شده و از بالا صورت میگیرد! لذا فضای تحرك

سیاسی موقتی خواهد بود و جای خود را به دوره از ثبات نسبی و بقاء جمهوری اسلامی میدهد.

این تصور البته خط يك جناح حکومت، مشخصا جناح

رفسنجانی-روحانی است. خطی که بنظر میرسد حتی خامنه ای

هم به سبک و سیاق خود با آن همراهی نشان میدهد. اما این

سر و ته دیدن قضایاست. تا آنجا که به رابطه بین

مذاکرات هسته ای با فضای جدید در جامعه برمیکردد، باید

گفت آن عوامل بنیادی اقتصادی و سیاسی که تحرك طبقه کارگر و فضای جدید سیاسی فعلی را

بوجود آورده، درست همان عوامل جمهوری اسلامی را به پای میز

مذاکرات هسته ای کشانده است. این بوی تغییر که به مشام همه

میرسد از جانب حکومت و از بالا نمی آید. بلکه فشار و تحرك

پایین آن عامل نهایی است که حکومت را به "سازش قهرمانانه" مجبور کرده است. یادمان نرود

فضای جدیدی از تحرك سیاسی و اعتراضی در بین مردم ایران شکل گرفته است. اعتصابات و

اجتماعات و تظاهرات گسترده کارگران، معلمان، پرستاران و

بازنشستگان در هفته های اخیر حول افزایش دستمزد ها و برای

بهبود شرایط کار، مهمترین شاخص این اوضاع جدید است.

سالهاست که با این درجه از تحرك توده ای در بین بخش های

مختلف طبقه کارگر روبرو نبوده ایم. این تحرك گرچه و طبعاً حول

مسائل اقتصادی و رفاهی است اما يك مبارزه طبقاتی و سیاسی

با تاثیرات گسترده است. با اینهمه فضای جدید تحرك

سیاسی به اعتراضات و مبارزات کارگران و معلمان و پرستاران و

غیره محدود نیست. وقایعی نظیر اعتراضات و تظاهرات علیه

اسید پاشی تا تظاهرات بعد از فوتبال در اهواز در چند روز

گذشته و قبل از آن خودسوزی اعتراضی يك دستفروش در

خرمشهر و یا اعتراضات گوناگون مربوط به محیط زیست

و همینطور تعرضی تر شدن تلاشهای تعطیل ناپذیری که در

جهت الغای عملی حجاب اجباری صورت میگیرد را نیز باید وجوه

دیگری از اوضاع جدید در نظر گرفت. اما وجه شاید عمیقتر فضای

مورد بحث ما تحرك فرهنگی و سیاسی گسترده ای است که در سطح جامعه به چشم میخورد. از

جلسات شعر خوانی و سخنرانی در مورد مسائل مختلف تا تناثر

و موسیقی خیابانی تا تحرك

جدید چپ در دانشگاه و فضای

فعال میدیای اجتماعی همه و

همه بوی اوضاع سال ۵۶ را

میدهد. گویی کل جامعه به

سمتی به حرکت درآمده است.

سمت تغییر اوضاع.

روزانه



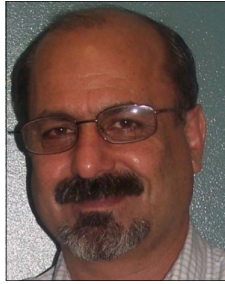
ژورنال روزانه را بخوانید!

ژورنال همه روزه بجز جمعه ها

منتشر می شود

مذاکرات هسته ای، احتمالات و عواقب!

محسن ابراهیمی



بیانجامد. در صورت شکست مذاکرات، استفاده سیاسی از این شکست برای پیروزی سیاسی باند خودی، جنگ جناحها در بالای حکومت را حادثر خواهد کرد. جناح روحانی - رفسنجانی کارشکنیهای باند خامنه ای و اصولگرا را مسبب شکست قلمداد خواهد کرد و البته روی

هر بخشی از جامعه که آمیدی به توافق اتمی و رفع تحریم و گشایش اقتصادی داشت سرمایه گذاری خواهد کرد. جناح اصولگرا هم شکست مذاکرات را به عنوان یک برگ برنده سیاسی در مقابل جناح رقیب خواهد گذاشت. در باب توهم جناح مقابل به آمریکا تبلیغات خواهد کرد. دورانیشی و تدبیر ولی فقیه را در بوق خواهد کرد که شکست مذاکره را نشانه دیگری از مشروعیت و صحت روش خودش در قبال آمریکا تلقی خواهد کرد.

اما با شکست مذاکرات، در میان مردم و هر بخشی از آن حتی اگر تتمه ای از انتظار وجود داشت بخار میشود و هوا میرود. اعتراضاتی که همین الان جریان دارد گسترده تر میشود. بیش از پیش برای مردم آشکار میشود که هیچ آمیدی از هیچ نظر به هیچ جناحی از حکومت نیست و تنها راه برای هر درجه بهبود در وضع اقتصادی و وضع سیاسی فراتر رفتن از حکومت اسلامی، سرنگونی آن است.

توافق هسته ای و عواقب آن!

آن گرایشی در محافل سیاسی آمریکا که به رام کردن جمهوری اسلامی و ورود حکومت اسلامی به "جامعه بین المللی" و به تبع آن تبدیل کردن حکومت اسلامی به نیرویی خودی در منطقه امید بسته است، توافق اتمی را گام مهمی در این پروسه "رام سازی" میداند. این گرایش محصول شکست کامل استراتژی میلناریستی در دوره جنگ دو قطب تروریستی است که در قالب اوپاما به ریاست جمهوری رسید. همین

اعتبار جهان و بقای موجودیت ایدئولوژیک و سیاسی اش در منطقه و جهان حساب میکند. اتمی شدن در نهایت از نظر راست جمهوری اسلامی نوعی تلاش برای بقای سیاسی حکومت بوده و هست.

شکست مذاکرات و جنگ جناحها!

خواست اصلی جمهوری اسلامی رفع تمام تحریمها و رفع فوری آنهاست. خواستی که اصولا حکومت اسلامی را به پای مذاکره با "شیطان بزرگ" کشانده است. و آمریکا و غرب دقیقا به همین خواست تن نداده اند. صحبت بر سر لغو تدریجی تحریمها متناسب با پایبندی حکومت اسلامی به مفاد توافق و اعتماد سازی است. بر اساس اطلاعات قطره ای درز شده به بیرون، از میان خواستهای اصلی غرب موضوع تاسیسات فردو در زیر کوه، توان غنی سازی (نه الزاما حق غنی سازی) و محدوده "تحقیق و توسعه" در زمینه غنی سازی معلق هستند. تمام تلاش غرب این است که با تحمیل محدودیتهای جدی در زمینه های مورد ذکر "زمان گریز" را برای جمهوری اسلامی افزایش دهد. "زمان گریز" آن مدت زمانی است که از لحظه تصمیم تا امکان عملی ساخت بمب اتم لازم است. غرب میخواهد توان غنی سازی جمهوری اسلامی را آنقدر کاهش دهد که "زمان گریز" یکسال باشد. این به آمریکا و متحدینش وقت کافی میدهد تا با دسترسی عملی جمهوری اسلامی به بمب اتم به موقع مقابله کنند.

یک لحظه تصور کنیم که با توجه به همه معادلات و محاسبات تو در توی جهانی و ملاحظیات و مسائل درونی بالاخره مذاکرات به شکست

این عضو محور شر را به عضوی مشروع از جامعه جهانی تبدیل میکند و به این ترتیب یک مهره مهم از صفحه شطرنج میلیتاریسم آمریکا حذف میشود.

در طرف جمهوری اسلامی، اگر چه مذاکرات اتمی با چراغ سبز خود خامنه ای شروع شده است، اما این چراغ سبز بیش از آنکه حاکی از یک تغییر در استراتژی سیاسی باشد، تاکتیکی از سر لاعلاجی است. همه سران حکومت از جمله خود ولی فقیه به این واقعیت واقف هستند که اولاً، "جامعه جهانی" یعنی آمریکا و متحدینش نخواهند گذاشت حکومت اسلامی اتمی شود و ثانیاً، تحریمهای وسیع اقتصادی هم میدان چپاول را تنگتر کرده است و هم وضع مردم را که به یم حکومت اسلامی در وضع نابسامان اقتصادی زندگی میکنند بدتر کرده اند. البته روشن است که حکومت اسلامی غم نان مردم را ندارد بلکه ترس جان خودش از شورش مردم گرسنه نگرانیش کرده است.

روشن است که حتی جناح خامنه ای و "اصولگراترین" باندهای این جناح هم دیگر آمیدی به صدور ضد انقلاب اسلامی به جهان ندارند. اما مخصوصا با توجه به وضعیت در عراق و افغانستان و سوریه و حدودا لبنان و با توجه به تضعیف موقعیت غرب در منطقه هنوز امیدهای زیادی به تبدیل شدن به قدرت منطقه ای دارند. اتمی شدن از نظر این طیف یک ابزار بسیار کارساز برای رسیدن به چنین هدفی بوده و هست. حکومت اسلامی که در داخل زیرپایش داغتر و داغتر میشود، روی اتمی شدن به مثابه ابزاری در جهت تحکیم موقعیتش در منطقه و به این

دو کشور و چه به لحاظ اهداف استراتژیک ترشان نمیخواهند این مذاکرات به سرانجام برسد و حتی در صورت هرگونه توافق سعی خواهند کرد در قدمهای بعدی آن را عقیم کنند.

نامه ۴۷ سناتور جمهوریخواه به خامنه ای مبنی بر اینکه توافق احتمالی اوپاما و روحانی عمرش به اندازه ریاست جمهوری اوپاما خواهد بود و بیانیه ۲۶۰ نماینده مجلس اسلامی که هر توافقی فقط در صورت لغو کامل و فوری همه تحریمها ممکن است فقط دو نمونه از تلاشهای مشابه در دو طرف است.

خامنه ای بارها گفته است که به آمریکا وعده هایش اعتماد ندارد. راست جمهوریخواه در آمریکا هم دقیقا با همین منطق تبلیغی سراغ مساله رفته است. اینکه به ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر "صلح آمیز بودن پروژه اتمی" اعتماد ندارد. اما "فقدان اعتماد" اینجا فقط یک ظاهر تبلیغاتی اخلاقی است که روی انگیزه های ایدئولوژیک و سیاسی و محاسبات استراتژیک کشیده است.

در طرف آمریکا، محافل مهمی از ساختار قدرت هنوز در فضای جنگ گرم دو قطب تروریستی بسر میبرند که در آن حکومت اسلامی عضوی از محور شر بود. محوری که قرار بود به نیاز آمریکا برای ابراز وجود میلیتاریستی مشروعیت جهانی بدهد. میلیتاریسمی که برای شکل دادن و تحکیم موقعیت در حال فروریزی آمریکا در جهان بعد از پایان جنگ سرد یک ابزار اصلی محسوب میشود. در چهارچوب این استراتژی، جمهوری اسلامی یا باید تماما رام شود و در چهارچوب مقررات آمریکا بازی کند و یا کنار برود. از نظر اینها هرگونه توافق اتمی

اخبار رسمی اعلام شده در باره مذاکرات اتمی تصویر گاهها متفاوت و حتی متضادی ارائه میکند. شواهدی حاکی از ادامه وضع کنونی یعنی تمدید مکرر مذاکرات است. شواهدی دیگر حاکی از احتمال شکست مذاکرات است. و شواهدی هم حاکی از این است که گویا هر دو طرف خیلی جدی هستند و شانس رسیدن به توافق بالاست. سرنوشته مذاکرات هر چه باشد، برای اکثریت بزرگ مردم محروم مهم این است که آثار آن در زندگی خودشان چه اقتصادی و چه سیاسی و موقعیت حکومت اسلامی چه در میان جامعه جهانی و منطقه و چه در سطح داخل ایران چه خواهد بود.

بن بست یا شکست!

علیرغم حفظ ظاهر در مواجعه با خبرنگاران میتوان در اظهارات بعد از هر مذاکره بوضوح دید که گره های بزرگی باقیمانده که باز شدنش مستلزم عقب نشینی جدی هر دو یا یک طرف است. در بهترین حالت شاهد یک پیشروی لاک پشتی هستیم. روند تاکتونی مذاکره، بن بست، تمدید، مذاکره، بن بست و تمدید مکرر میتواند ادامه دار باشد. ۱۰ روز مانده به آخرین مهلت توافق پایه ای و سیاسی، تیتراژ گزارشات این است که نتیجه مذاکرات مثل سکه ای است که میتواند شیر یا خط روی زمین بیافتد.

به نظر من فاکتورهای موثری تاکنون مانع پیشروی به سمت یک توافق شده اند که پابرجا هستند و اگر این فاکتورها همچنان عمل کنند حتی سناریوی اعلام رسمی شکست مذاکرات محتمل است. در هر دو طرف نیروهای سیاسی ای که در ساختار قدرت نقش موثر دارند چه به لحاظ محاسبات جنگ قدرت در درون

از صفحه ۶

مذاکرات هسته ای، احتمالات و عواقب!

گرایش است که جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان را همین دیروز از لیست خطر تروریستی به منافع آمریکا خارج و همزمان لزوم مذاکره با اسد را مطرح کرد. در میان این گرایش اراده سیاسی جدی برای رسیدن به توافق اتمی وجود دارد.

تصویری است که طیف اصلاح طلب درون حکومتی و آن بخشی از اپوزیسیون که تز متعارف شدن جمهوری اسلامی را دارند رواج میدهند.

به نظر من آن شاخصهای ایدئولوژیک و سیاسی هویتی جمهوری اسلامی که از همان اول مانع متعارف شدن حکومت اسلامی و تبدیل شدن به عضوی از پیکره سرمایه داری جهانی شده است پایه ای تر و قوی تر و بنیادی تر از آن است که توافق هسته ای بتواند خنثی کند. برعکس، این توافق هسته ای است که هر لحظه ممکن است به زور همان بنیادها فروبریزد.

متعارف شدن اقتصاد و رابطه اقتصادی جمهوری اسلامی در سرمایه داری جهانی اساسا به خاطر اسلام سیاسی ضد غرب به مثابه هویت پایه ای این حکومت ممکن نیست نه به خاطر پروژه اتمی. اگرچه پروژه اتمی هم به عنوان یک مانع عمل کرده است. اصلا اگر جمهوری اسلامی از اسلامیت خود و ادعاهای ضد غربی خود دست میکشید که غرب مشکلی با اتمی شدن ایران نداشت. و اگر از اینها دست نکشد با ده تا توافق اتمی هم هنوز مانع اصلی تبدیل شدن به کشور اقتصادی با مناسبات متعارف و به مثابه بخشی از جامعه جهانی سرمایه داری همچنان سرچایش است. و روشن است که حکومت اسلامی نمیتواند از این مشخصات هویتی دست بشوید و همچنان حکومت اسلامی بماند.

۲- کشمکشها و تنشها و شکافهای بالای حکومت

گفتم با شکست مذاکرات جنگ جناحها حاد خواهد شد. با توافق هسته ای هم جناحها در اشکال و ابعاد جدید به جان هم خواهند افتاد. باند روحانی - رفسنجانی توافق را به عنوان برگ برنده جناح خودش روی میز خواهد زد و سعی خواهد کرد

مخصوصا در میان مردم برای خودش به عنوان مدیر و مدیر و کاردان و دیپلمات امتیاز بگیرد و کلا موقعیت خودش را در ساختار سیاسی قدرت تقویت و تثبیت کند. چیزی که حتما با واکنش هیستریک تر باند خامنه ای جواب میگیرد. به این باید رقابت باندا برای چپاول از سفره رفع تحریمها را هم اضافه کرد که رقبای درون حکومت را بیشتر به جان هم خواهد انداخت.

۳- گشایش اقتصادی در زندگی مردم؟

آیا در صورت رسیدن به توافق هسته ای، تجارت با جهان عادی میشود و تولید راه میافتد و شغل ایجاد میشود و کالا در بازار بوفور یافت میشود و قدرت خرید طبقات محروم بالا میروند و کلا وضع اقتصادی برای اکثریت بهبود پیدا میکند؟

حتی اگر همه تحریمها لغو شوند و تمام داراییهای بلوکه شده آزاد شوند، تا جمهوری اسلامی سرکار است انتظار گشایش جدی در زندگی اقتصادی توده های وسیع مردم محروم پوچ است.

اولا، اقتصاد مبتنی بر قاچاق و دلالی و احتکار و سفته بازی و دزدی در ایران آنچنان فروپاشیده و درهم شکسته است که هیچ درجه از لغو تحریم یا آزاد شدن داراییهای بلوکه شده ظرفیت تغییر آن را ندارند. همین الان ثروت عظیمی که کارگران تولید میکنند کجا میروند که خود کارگران زیر خط فقر به ناپودی تدریجی محکوم شده اند؟ بساطی که با لغو تحریمها گسترده میشود قبل از اینکه از آن چیزی به سفره مردم تهیدست برسد در میان لاشخوران اقتصادی حاکم تقسیم خواهد شد. اقتصاد ایران شبیه یک جواهر فروشی است که همزمان مورد دستبرد چند دزد حرفه ای رقیب شده است. دزدانی که در وقت کوتاه و بدون فوت وقت بیشترین سهم را میخواهند بردارند و از صحنه فرار کنند. حکومتی که حیات سیاسی اش را موقت میداند، به هر فرجه اقتصادی حاصل از هر توافقی عینا مثل همان دزدها نگاه میکند. هنوز نه به بار است و نه

به دار که الیاس نادران نمایندند مجلس اسلامی همین هفته گذشته از یک قلم تازه از خروج چمدانهای پر از ارز آزاد شده در نتیجه توافقنامه ژنو خبر داد!

به این باید نیاز حیاتی مجموعه حکومت به گسترش و تحکیم هم ابزارهای ایدئولوژیک مثل شبکه امامان جمعه و حوزه های مذهبی و مساجد و غیره و هم دستگاهها و ارگانهای سرکوب را اضافه کرد. میتوان تصور کرد که بعد از رفع تحریمها چه مقادیر عظیمی از ارزهای آزاد شده به کام شبکه ایدئولوژیک و امنیتی ریخته خواهد شد.

۴- مناسبات مردم و حکومت!

جناح روحانی - رفسنجانی اولاً روی هر توافقی به عنوان نشانه ای از تدبیر سیاسی خود و فرجه ای برای کسب مشروعیت در میان مردم حساب میکنند. و ثانيا هر توافقی را به مثابه زمینه ای برای اشاعه روانشناسی انتظار در میان مردم میدانند: حالا که توافق شده است پس مردم منتظر بمانید تا انشاء الله اقتصاد سرحال بیاید تا نتیجه اش را ببینید!

اما این مهم نیست که سران حکومت چه تصوراتی در سر دارند. مهم این است که آن تصورات را باید در میان کارگرانی پیاده کنند که سالها به نام تحریم اقتصادی سرکبش شان کرده اند و بی تردید با هر توافقی همین کارگران با توقعات بالاتری برای بهبود اقتصادی در مقابل حکومت قرار خواهند گرفت. کارگرانی که همین الان هم یک دم از اعتصاب و اعتراض باز نایستاده اند. در قلمرو سیاسی و فرهنگی هم با هر تغییر در رابطه غرب با جمهوری اسلامی مردم متعرضتر میشوند. و بالاخره با اولین دور دزدیها از سفره جدید و افشاکری متقابل فضای فراتر رفتن از حکومت اسلامی برای کوچکترین بهبودی در اوضاع حتی قوی تر میشود.

۵- حمله پیشگیرانه برای مقابله با اعتراضات گسترده با توجه به همه فاکتورهای بالا و با مسامحه میتوان گفت که توافق هسته ای جام زهر

دیگری است که حکومت از سر اجبار سر میکشد. جام زهر قبلی درانتهای یک جنگ ویرانگر که آگاهانه کش داده میشد سر کشیده شد. اما خمینی و حکومتش با وقوف به تحرك اعتراضی گسترده مردم تصمیم گرفتند با قتل عام زندانیان سیاسی حیات جمهوری اسلامی را در مقابل هجوم احتمالی مردم از نابودی نجات دهند. آیا امروز هم چنین اتفاقی ممکن است؟

تردید نباید کرد که حکومت اسلامی روی سرکوب وسیع مردمی که میتوانند از میان فرجه توافق با اعتراضات گسترده برای خواستههای رادیکال ظهور کنند برنامه ریزی میکند. اما

سؤال اصلی این است که توان و ظرفیت حکومت برای سرکوب چقدر است؟ به نظر در مقایسه با پایان جنگ، حکومت اسلامی از موقعیت به مراتب ضعیفتری برخوردار است. آن قتل عام در مقابل چشم مردم ایران برای ایجاد بیشترین ترس اما دور از چشم جهان و با خیال راحت رخ داد. امروز اولاً، امکان پنهان کردن توحش در ابعادی حتی بسیار کوچکتر از مردم جهان وجود ندارد. و ثانيا مهمتر از هر چیز، فضای اعتراضی در جامعه وسیعتر و عمیقتر است. مدتهاست که اقدامات امنیتی حکومت نه تنها نمیتواند هیچ بخشی از جامعه را ساکت کند بلکه اعتراضات را وسیعتر و رادیکالتر میکنند. اسید به صورت زنان پاشیدند، امواج اعتراض زنان و مردان در خیابانها را تحویل گرفتند. زندانی کردن و آزار و شکنجه فعالین کارگری به یک امر روزمره تبدیل شده است، اما در مقابل اعتصابات و اعتراضات کارگری یکدم تعطیل نشده است. حتی زندانیانی سیاسی که در دست زندانبانان و بازجویان و حکام شرع قاتل اسیرند و تیغ خونین حکومت هر دم بالای سرشان است یکدم از اعتراض باز نایستاده اند. چماق سرکوب حکومت هر چقدر هم خونین باشد دیگر نمیتواند و نخواهد توانست عزم اعتراض را

سال تباهی حکومت، سال تعرض مردم

آزادیمان را میخواهیم. به این معنی رفع تحریمها نه تنها مساله ای را حل نخواهد کرد بلکه تقابل و کشمکش بین مردم و حکومت را بدرجات زیادی گسترده تر خواهد کرد.

سیمما بهاری: آخرین سؤال من مربوط به وضعیت حزب است. حزب کمونیست کارگری بعنوان حزبی که همه تلاشش سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری يك جامعه آزاد و مرفه و خوشبخت است در کجای این تصویر يك ساله قرار می گیرد؟

حمید تقوایی: حزب کمونیست کارگری تجسم سیاسی و تشکیلاتی امیدی هست که از آن صحبت کردم. امیدی که در جامعه میبینید. اعتراضاتی که در جامعه می بینید. این اعتراضات و این مبارزات

نماینده دارد. يك حزبی دارد که مدام بر این شعارها و مطالبات تاکید کرده و مدام مردم را آگاه کرده است. حزبی که نه تنها مدام مردم را به مبارزه در عرصه های مختلف فراخوانده است بلکه مبارزات و کارزارهای وسیع و موقفی را علیه اعدام و علیه سنگسار و برای آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه در عرصه های مختلف دیگر سازمان داده و به پیش برده است. آزادیخواهی، مبارزه علیه وضع سیاه موجود، مبارزه برای رفاه و رفع تبعیض در جنبش کارگری و در جنبش معلمان و پرستاران، آزادی زن، برخورداری جوانان از يك زندگی شاد و مرفه و مدرن، دفاع از حقوق کودک، دفاع از پناهنده، مبارزه علیه اعدام، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، اینها همه در جامعه ایران نماینده دارد. آن نماینده حزب کمونیست کارگری

ایران است. نه فقط بخاطر برنامه اش و مواضع و شعار هایش بلکه بویژه بخاطر عملکرد مبارزاتی اش از بدو تاسیس حزب تا امروز. این مکان واقعی حزب کمونیست کارگری هست در عرصه سیاسی ایران. سال گذشته سالی بود که مردم بیشتر و فعالتر به میدان آمدند و همانطور که اشاره کردم جامعه به امید بهبود و پیشرفت بیشتر دست به تعرض زد و در مقابل سرکوبگرها جمهوری اسلامی و در مقابل سیاستهای ضد کارگری و ضد زن و ضد آزادی جمهوری اسلامی ایستاد و به همین اعتبار و به درجه ای که جامعه در این جهت حرکت کرد به همان درجه حزب کمونیست کارگری هم نقش و جایگاه موثر تر و تعیین کننده تر و مهمتری در صحنه سیاسی ایران پیدا کرد. من از این فرصت استفاده میکنم و به همه مردم مبارز ایران، به همه کارگران و معلمان و پرستاران و زنان و جوانان آزاده درود می فرستم و آنها را فرا میخوانم که به حزب خودشان، به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندند.*

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدالگلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

لیست کمکهای مالی به کانال جدید

سیامک بهاری ۲۷۰۰ کرون	جیمی تهرانی ۲۰۰۰ دلار
علی جوادی ۵۰۰ دلار	سارا نخعی ۵۰۰ کرون
سرورکاردار و زری صمدی ۵۰۰۰ کرون	سعید مدانلو ۵۰۰ دلار
شیرزاد چوپانی ۱۰۰ پوند	نسان نودینیان ۲۰۰ یورو
هوشمند ۱۲۰۰ دلار	

مذاکرات هسته ای، احتمالات و عواقب!

برای تغییر فوری وضع زندگیشان و اعتراضات گسترده برای تحقق آنهاست. اعتراضی که دیر یا زود در مقابل این حقیقت قرار خواهد گرفت که حکومت سرمایه داری اسلامی چه با تحریم و چه بی تحریم اولین مانع سیاسی در مقابل هر بهبود در وضع اقتصادی است و باید آن را سرنگون کرد.

۲ - بسیار محتمل است که متعاقب هر توافقی، دول غرب و مشخصا آمریکا بیش از پیش به زیر پا گذاشتن حقوق مردم در جمهوری اسلامی بی اعتنا شوند. باید برای مقابله با چنین احتمالی آماده شد. باید به افکار عمومی مردم جهان مراجعه کرد. باید روی اعتراض این مردم به دولت‌هایشان علیه چنین تبانی

حتی کاهش دهد.

دو استنتاج پایانی

۱- هر توافقی در هر سطحی باید از طرف مردم مثل سکوی پرشی برای فشار آوردن بیشتر به حکومت مورد استفاده قرار گیرد. سالهاست که تحریم اقتصادی را به کارگران نشان داده اند و دستمزدشان را زیر خط فقر نگه داشته اند؛ تحریم اقتصادی را به خیل وسیع بیکاران نشان داده اند و گفته اند زیر فشار تحریم تولید و اقتصاد زیر ظرفیت کار میکند و بسوزید و بسازید. و سالهاست که تهیدستی و محرومیت و فقر دهشتناک را به تحریم اقتصادی وصل کرده اند. حالا که این "مسبب" فقر و بیحقوقی دیگر در میان نیست، طبیعی ترین انتظار توقع مردم

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

سرمایه داری می کشد!

روز چهارشنبه این هفته بالغ بر ۱۵ هزار نفر از ۳۹ کشور اروپایی در شهر فرانکفورت آلمان جمع شدند تا علیه کاپیتالیسم و علیه سیاست‌های ریاضت کشی اقتصادی اعتراض کنند. یکی از شعارهای این تظاهرات چنین بود: "سرمایه داری می کشد!"

سازماندهندگان این تظاهرات خود را فعالین جنبش blockupy - ترکیبی از دو کلمه "اشغال" و "مسدود کردن" - می نامند. این جنبش که سابقه اش به سال ۲۰۱۲ میرسد طیف وسیعی از احزاب چپ، از جمله حزب حاکم سیریزا در یونان، اتحادیه های کارگری و کارزارهای ضد ریاضت کشی از سراسر اروپا را در بر میگیرد. یک هدف این جنبش الغای سیاست‌های ریاضت کشی دیکته و اعمال شده توسط اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا، و صندوق بین المللی پول (ترویکا) است. تظاهرات فرانکفورت همزمان با افتتاح مقر تازه بانک مرکزی اروپا در شهر فرانکفورت سازمان داده شده بود. یکی از فعالین و سازماندهندگان این حرکت از بلژیک میگوید: "برجسته کردن این واقعیت مهم است که بانک مرکزی اروپا در حالیکه یک مقر تازه با صرف هزینه ای بیش از یک میلیارد یورو میسازد، از کشورها میخواهد به همین میزان از بودجه خدمات عمومی خود بزنند. این نشان میدهد که اولویت آنها چیست."

اولویت اتحادیه اروپا و ترویکا و همه دولت‌ها نجات نظام سرمایه داری از بحران است و اولویت مردم نجات رهائی از شر سرمایه داری. یورونیوز از قول یکی از سازماندهندگان حرکت فرانکفورت فراخوان و پیام تظاهرات فرانکفورت را چنین اعلام

میکنند: "آنها سرمایه داری بدون دموکراسی میخواهند، ما خواهان دموکراسی بدون سرمایه داری هستیم."

دموکراسی مفهوم محدود و نارسائی برای آزادی و رهائی ای ایست که مردم معترض خواهان آن هستند، اما حتی همین پیام نیز تقابل میان اولویت مردم و اولویت ترویکا را بروشنی نشان میدهد.

خبرگزاری‌ها تظاهرات فرانکفورت را بزرگترین برآمد جنبش ضد کاپیتالیستی بعد از اشغال وال استریت خوانده اند. این در واقع ادامه جنبش اشغال در شرایط تازه ای است که بدنبال پیروزی سیریزا در یونان، رویگردانی مردم اروپا از احزاب حکومتی باسابقه در این کشورها، و محبوب شدن توده ای احزاب چپ بویژه در اسپانیا و پرتغال و ایرلند و ایتالیا شکل گرفته است. و همین شرایط یک تمایز مهم این برآمد تازه با دور اول جنبش اشغال است. این بار دیگر نه ایده های آنارشیستی و طفره رفتن از مساله دولت قدرت سیاسی، بلکه نیروها و احزاب چپی در مرکز توجه قرار گرفته اند که هدف آنها را تصرف قدرت سیاسی و الگوی آنها را پیروزی سیریزا در یونان تشکیل میدهد.

از مقطع بحران وال استریت در زمستان ۲۰۰۸ شرایط سیاسی در اوپا در جهت شکل دهی به جنبش و حرکت رادیکالی متحول شد که امروز برپرچم آن نوشته شده است "کاپیتالیسم میکشد!" در این مسیر حزبیت یافتن و عطف توجه خیابان به قدرت سیاسی یک گام مهم به پیش است. *



از محمد بوعلیزی تا یونس عساکره

بدنبال جان باختن یونس عساکره، یک کارگر دست فروش در خرمشهر که در اعتراض به تخریب دهکده میوه فروشی اش بوسیله ماموران شهرداری به خودسوزی دست زد، تجمعات اعتراضی در مقابل شهرداری این شهر شکل گرفت. در شهر اهواز نیز مردم بعد از یک مسابقه فوتبال به خیابانها ریختند و اعتراضات گسترده ای رخ داد که با یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر مواجه شد.

در این میان نیروهای ناسیونالیست عرب و قوم پرستان تلاش می کنند مساله را "دشمنی فارسها با عربها" جلوه بدهند و به نفرت قومی و نژادی دامن بزنند. این تلاشها به همان اندازه اقدام مامورین دولت سرمایه دارها در تخریب دهکده یک کارگر دست فروش

ارتجاعی و انزجار آور است. اعتراضاتی که در این هفته در خرمشهر و اهواز شکل گرفت آشکارا تقابلی بین دو کمپ کار و سرمایه است و در این تقابل ناسیونالیستهای عرب و فارس به کمپ سرمایه تعلق دارند. خودسوزی یونس را نه بر بیرق قومیت و ملیت، بلکه بر پرچم اعتراض کارگران بجان آمده از سلطه سرمایه باید نوشت. اعتراض یونس از جنس اعتراض محمد بوعلیزی کارگر دستفروش تونسی است که با خودسوزی اش انقلاب آن کشور را شعله ور کرد. در ایران نیز راه رهائی یونس ها انقلاب علیه سلطه سرمایه داران و احزاب و نیروهای رنگارنگ مذهبی و ناسیونالیستی و قومی و نژادیشان است و بس. *

جنبش افزایش دستمزد و تصمیم ۱۷ درصدی شورای عالی سرمایه!

هفته گذشته بالاخره نمایندگان کارفرماها، دولتشان و تشکلهای کارگری دست سازشان بر سر ۱۷ درصد افزایش دستمزد به توافق رسیدند. عوامل سرمایه نشستند و برخاستند و چانه زدند و بالاخره تشخیص دادند که ۱۷ درصد افزایش کافی است!

این افزایش دستمزد نیست، تشبیت دستمزد کارگران در سطحی کمتر از یک چهارم خط فقر است. این تصمیم شورای عالی کار که باید آنرا شورای عالی سرمایه نامید، در شرایطی صورت میگیرد که کارگران در اعتراضات و طومارها و شعارهایشان خواستار افزایش حداقل دستمزد به میزان سه میلیون تومان خط فقر رسمی شده اند. امروز مبارزه علیه فقر و برای تامین معیشت و رفاه

ابعادی وسیعی گرفته است. مبارزه پیگیر کارگران که سال گذشته در کارزار طومار چهل هزار امضا و اعتراضات و مبارزات پیاپی کارگری متجلی شد و اعتراضات وسیع پرستاران و معلمان در ماههای آخر سال، مقابله توده مردم با مفتخورهای حاکم و ایادی شان را وارد مرحله تازه ای کرده است. تصویب دستمزد یک چهارم خط فقر در جمهوری اسلامی امر تازه ای نیست، اما امسال میتوان و باید به این تهاجم سرمایه به معیشت کارگران با اعتراضات و مبارزات هر چه وسیعتر و متحد تری پاسخ گفت. مبارزه ای که بر پرچم آن نوشته شده: حداقل دستمزد سه میلیون تومان! *

از صفحه فیسبوک حزب

چهارشنبه سوری روز شادی مردم و روز عزای جمهوری اسلامی



از صفحه فیسبوک حزب

تجمع مردم خرمشهر در پی خود سوزی کارگر دست فروش

بار سرمایه داری است باعث شده است که بخشی از مردم به دست فروشی روی بیاورند تا قادر باشند زندگی بخور و نمیر خود را تامین کنند. اما دست فروشان بارها و بارها با یورش مامورین شهرداری و پلیس روبرو می شوند و این تنها منبع تامین امرار معاش نیز از آنها دریغ شود. رژیمی که نمی تواند کار برای جوانان و مردم تامین کند و به بیکاران بیمه بیکاری نمی پردازد حق ندارد به دستفروشان حمله ور شود این تنها وسیله معاش آنها را بر هم زند.

جمهوری اسلامی و مقامات شهرداری خرمشهر مسئول مستقیم مرگ یونس عساکره هستند و باید در مقابل آن جوابگو باشند.*

روز دوشنبه ۲۵ اسفند جمعی از مردم شهر خرمشهر در مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند تا نسبت به یورش ماموران شهرداری آبادان و خرمشهر به دستفروشان که خودسوزی یونس عساکره جوان کارگر دست فروش را به همراه داشت، اعتراض کنند. این تجمع با ممانعت نیروهای پلیس جمهوری اسلامی مواجه گشت.

یونس عساکره، ۳۴ ساله و تنها سرپرست خانواده روز شنبه ۲۳ اسفند در اعتراض به تخریب دکه میوه فروشی اش که تنها منبع درآمد وی بود در مقابل شهرداری خرمشهر دست به خودسوزی زد و متاسفانه جان خود را از دست داد.

بیکاری گسترده که عامل آن جمهوری اسلامی و نظام نکبت

اسلامی است. جشن و سرور به ما قدرت میدهد؛ قدرت شما را به چالش میکشد. به ما زندگی مبخشد؛ زندگی را به شما تلخ میکند. ما خود را آماده میکنیم که شما را به زیر بکشیم. شما خود را آماده میکنید یک روز دیگر بر عمر منحوس حکومت خود بیافزایید. ما خود را آماده میکنیم به مصاف رنج و فقر و تحقیر و اندوهی که ۳۶ سال تمام بر زندگی ما مردم حاکم کرده اید برویم؛ شما خود را آماده میکنید یک روز دیگر از خشم و نفرت ما در امان بمانید. شما میتوانید در آنروز به هر مناسبتی عزا دار باشید. ما جوانان، ما مردم جشن میگیریم و شادی میکنیم و حکومت منحوستان را به چالش میکشیم.

دختران و پسرانی هستیم که در مقابل جنایت اسیدپاشی، در خیابانهای تهران و اصفهان و شهرهای دیگر درس فراموش نشدنی به ارادل و اوپاش شما دادیم. ما همانهایی هستیم که سرداران شما را وادار به سفسطه گویی کردیم، ما همان مردمی هستیم که در صف متحد کارگران، پرستاران، معلمان، بازنشستگان بر علیه شما و قوانین ارتجاعی تان و حقوق پایمال شده مان در خیابانها و در مقابل ارگانهای سرکوبستان رژه میرویم و از زندگی انسانی خود دفاع میکنیم، ما همانها هستیم که سال ۸۸ جرقه انقلابات جاری در منطقه را زدیم، انقلاباتی که دیکتاتور پشت دیکتاتور ساقط کردند.

چهارشنبه سوری، روز شادی ما مردم است. روز ماتم شما حکام

احمد خاتمی در نماز جمعه گذشته با اشاره به آغاز سال نو و چهارشنبه سوری گفت: از جوانان می خواهیم از آتش سوزی در چهارشنبه آخر سال که منشاء ندارد، پرهیز کنند. هم از منظر حقوقی و هم از منظر شرعی وارد شدن به حقوق مردم دیگر است. خیلی از عیدها با همین مراسم عزا شده است.

این اولین چهارشنبه سوری نیست که ما مردم ایران، ما جوانان در مقابل شما آیت الله های مرتجع، شما دشمنان قسم خورده هر جلوه ای از زندگی و جوانی و شادی و سرور صف میکشیم. این اولین چهارشنبه سوری نیست که فشفشه ها و ترقه ها و آتشبازیهای ما جوانان ترس و لرز در دل شما می اندازد. ما همان جوانان، همان

از صفحه ۹

یادداشت های هفته

عمید تقوایی

شان نزول بانکی فتوا علیه چهارشنبه سوری!

آیت الله ها و آقازاده ها و اعوان و انصارشان کرده است. رقص و شادی جوانان ارکان این بساط چپاول را به لوزه میاندازد. و دقیقاً به همین دلیل در جمهوری اسلامی چهارشنبه سوری به روز اعتراض و بیچالش کشیدن ارتجاع حاکم تبدیل شده است. هر چه بیشتر مرتجعین حاکم علیه چهارشنبه سوری به منبر بروند، این جشن اعتراضی گسترده تر و توده گیر تر خواهد شد.*

از نقطه نظر مرتجعین حاکم نه تنها رقص و شادی و موزیک و آتش بازی بلکه نفس زندگی آزاد و انسانی حرام و مخالف قوانین شرعی است. اما شان نزول این حرام و حلال کردنها دین و ایمان و اعتقادات شرعی و مذهبی آیت الله های حاکم، حتی فسیلهائی از نوع محمد جنتی و احمد خاتمی، نیست، بلکه حسابهای بانکی شان است. اسلام مانند همه مذاهب کار و کسب پر سودی است که بخصوص در مقام دولت ثروتهای نجومی ای نصیب

آتش بازی و رقص و شادی جوانان دختر و پسر در خیابانهای تهران در شب چهارشنبه سوری که کلیپ هایش در فیسبوک ها منتشر شده تو دهنی محکمی به احمد خاتمی و حکومت متبوع اش بود. خاتمی در نماز جمعه گفته بود: "آتش بازی چهارشنبه آخر سال از نظر شرعی حرام است!" و جوانان نشان دادند که دوره این نوع فتواها و تهدیدات و خط و نشان کشیدنهای شرعی برای همیشه به پایان رسیده است.

اعتراضات معلمان فروکش نمیکنند

اعتراض در میان معلمان همچنان بالا است و معلمان اعلام کرده اند که به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

معلمان خواهان حقوق بالای خط فقر هستند و در همه تجمعات با پلاکاردهای خط فقر ۳ میلیون حقوق معلم ۱ میلیون این خواست را مطرح میکنند. معلمان همچنین خواهان امنیت شغلی، ایجاد تسهیلات برای مسکن، استخدام معلمان حق التدریسی، استخدام معلمان بیشتر و کاهش تعداد دانش آموزان در یک کلاس، آزادی معلمان زندانی، آزادی بیان و تشکل و بهبود وضعیت مدارس هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ اسفند ۱۳۹۳، ۱۵ مارس ۲۰۱۵

جمع خود شدند. در نتیجه در پایان این حرکت اعتراضی قاسم سلیمانی دشتکی استاندار چهار محال و بختیاری، نیز ناگزیر شد به میان معلمان برود. معلمان با شعار خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون خواست محوری خود را اعلام کردند. معلمان همچنین به سکوت و سانسور اخبار اعتراضات آنها توسط صدا و سیما رژیم اعتراض کردند.

دور جدید اعتراضات گسترده معلمان که از اوایل بهمن امسال شروع شد در اسفندماه نیز ادامه یافت و در روز ۱۰ اسفند به اوج خود رسید. اما این اعتراضات فروکش نکرد و در روزهای گذشته در بجنورد و اردبیل و روز گذشته در شیراز، یزد، کرمانشاه و شهر کرد ادامه یافت. تب و تاب

طبق گزارشاتر روز شنبه ۲۳ اسفند (۱۴ مارس) معلمان چهارمحال، یزد، شیراز و کرمانشاه دست به تجمعات اعتراضی زدند و خواست های خود را اعلام کردند.

بر اساس این گزارش در یزد حدود هزار نفر از معلمان دست به تجمع زدند. در شیراز معلمان در مقابل استانداری دست به اعتراض زدند و در شهر کرد چهارمحال نیز تجمعی با حدود ۱۰۰۰ نفر از معلمان در مقابل استانداری برگزار شد. زیر فشار معلمان معترض، ابتدا معاونان استانداری به میان معلمان رفتند اما معلمان خواستار حضور استاندار شدند و به اعتراضشان ادامه دادند. از معلمان خواسته شد که برای ملاقات با استاندار چند نماینده انتخاب کنند. اما معلمان خواستار حضور وی در

امروز هم هزاران معلم در شهرهای مختلف دست به اعتراض زدند

هزاران معلم در شیراز، یزد، خرم آباد، کرمانشاه و شهرکرد دست به تجمعات اعتراضی در مقابل استانداری در این شهرها زدند. معلمان هم مانند کارگران و پرستاران خواهان افزایش دستمزد بالاتر از خط فقر و سایر مطالبات عادلانه خود هستند.

در تجمعات روز گذشته و روزهای قبل از آن که در شهرهای چهارمحال، یزد، شیراز، کرمانشاه، اردبیل و بجنورد برگزار شده بود معلمان اعلام کرده بودند که به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

معلمان، کارگران و پرستاران، بازنشستگان و سایر حقوق بگیران زحمتکش منافع مشترک و سرنوشت مشترکی دارند. خواست افزایش دستمزد بالای خط فقر یکی از محوری ترین خواست های همه آنها است. تنها با همبستگی با خواستها و مبارزات یکدیگر میتوان جنبش پرقدرتی برای تحقق مطالبات بحق اکثریت مردم شکل داد و معلمان میتوانند نقشی مهم در ایجاد این صف مشترک ایفا کنند. افزایش حقوق یا دستمزد، آزادی کارگران و معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، حق اعتصاب و تشکل، امنیت شغلی، استخدام کارگران و معلمان روزمزد و موقت، تحصیل رایگان و طب رایگان، بهبود شرایط مدارس و حذف خرافات از کتب درسی از جمله خواست های مشترک دهها میلیون نفر از مردم است.

زنده باد همبستگی کارگران، معلمان و پرستاران
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ اسفند ۱۳۹۳، ۱۵ مارس ۲۰۱۵



ILNA

۹۳/۱۲/۲۴

Iranian Labour News Agency



ILNA

خرم آباد ۹۳/۱۲/۲۴

Iranian Labour News Agency

از صفحه فیسبوک حزب

فرارسیدن سال نو را به شما شادباش می گوئیم!

سال تازه ای را آغاز می کنیم. فرارسیدن سال تازه را به همه شما شادباش می گوئیم. شاد باش می گوئیم بخاطر عشق به رهایی که بی پایان در وجودمان زنده است. شادباش می گوئیم بخاطر عزم و شور مبارزه که گرمایش سراپایمان را فرا گرفته است. ... بخاطر فروغ آگاهی که تیرگی زندگی مان را می زداید، دلها و دستهایمان را استوار به هم پیوند میدهد و در

نوید اتحاد، قدرت اتحاد صفوف میلیونی ما که از راه می رسد، مرگ و نابودی جهل و ستم را با بانگی رسا خیر میدهد. گرچه ستمگران حاکمند، گرچه عزیزترین عزیزانمان در اسارتند، گرچه داغ عزیزان اعدام شده بر دلهای ما سنگینی می کند، گرچه صفوف ما هنوز اتحاد لازم را بدست نیاورده است ... اما دیر نخواهد بود که نیروی لایزال اتحاد صفوفمان در

همه جا به حرکت در بیاید و بساط جور و ستم ظالمان و آدمکشان را برای همیشه برچیند. پیشروهای بزرگی که در سال گذشته داشتیم، اعتراضات با شکوه معلمان و پرستاران، اعتراضات متعدد کارگری و همراهی خانواده ها و اهالی یک شهر با این اعتراضات، مبارزه بی امان برای آزادی زندانیان سیاسی و تلاش دسته جمعی در

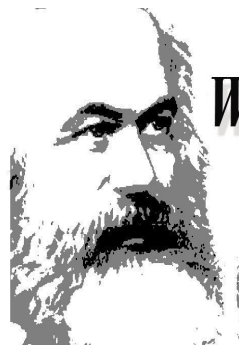
جلوی درب زندانها برای لغو احکام اعدام، بلند کردن پرچم مبارزه برای افزایش دستمزدها از سوی مراکز کلیدی کارگری و صد ها نمونه دیگر بطور قطع نوید بخش روزهای بسیار بهتر در آینده ای نه چندان دور خواهد بود. دیر نخواهد بود که صفوف بهم فشرده ما در خیابانها رژه خواهد رفت ... که کودکان مان درهم شکستن دم و دستگاه ستم

و سرکوب و عوامفریبی ستمگران را به هلله و پایکوبی خواهند نشست... که همه مردم زجره دیده ایران به دور پرچم انسانیت، آزادیخواهی و عدالت طلبی گرد خواهند آمد تا جهانی نو پی افکنیم.

سال نو را شادباش می گوئیم. باشد که این سال، سال پیروزی ما باشد!



انترناسیونال
 نشریه حزب کمونیست کارگری
 سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی
 مسئول فنی: نازیلا صادقی
 ای میل: anternasional@yahoo.com
 انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



WE STILL NEED *MARX*
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
 Worker-communist Party of Iran
 www.wpiran.org